

ادب و فرهنگ عصر قاجار در آینه حدیقه الشعراء

دکتر محمد ابراهیم ایرج پور*

سهیلا سلیمانی خواه**

چکیده

حدیقه الشعراء، مهم ترین تألیف دیوان بیگی، موجب شهرت وی در عرصه ادب فارسی شده است. در این تذکره، ۱۴۴۰ شاعر مرد و هشتاد شاعر زن سالهای ۱۲۰۰ تا ۱۳۱۰ معرفی شده اند که به این لحاظ، حدیقه الشعراء کامل ترین تذکره پس از آتشکده آذر شناخته شده است. دیوان بیگی، که خود از درویشان سلسله نعمه اللهیه بود، به شرح حال عرفا بسیار اهمیت داده است. این مقاله با روش تحلیلی به بررسی فرهنگ و ادب عصر قاجار و همچنین شاعران برجسته که در کتاب «حدیقه الشعراء» معرفی شده اند می پردازد. اطلاعات مندرج در حدیقه الشعراء یا برگرفته از تذکره هاست یا خود دیوان بیگی وقایع را به چشم دیده یا از معتمدان شنیده و هر جا لازم بوده به منابع اشاره کرده که همین امر ارزش تذکره را دو چندان کرده است و علت پرداختن این مقاله ارزشی است که این کتاب گرانقدر در تاریخ ادبیات عصر قاجار دارد که قابل نقد و بررسی است.

واژگان کلیدی: حدیقه الشعراء، عصر قاجار، شعر، شاعر، ادب و فرهنگ

* عضو هیأت علمی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور ebrahim_eirajpour@yahoo.com

** کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دبیر ادبیات دبیرستان فرهنگ ناحیه چهار اصفهان

Solaimani.s@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۰۵

مقدمه

سیداحمد دیوان بیگی در ۱۲۴۱ در شیراز متولد شد. نُه ساله بود که پدرش درگذشت و جدّ مادری اش، آقا محمدعلی، سرپرستی وی را برعهده گرفت. دیوان بیگی در زادگاهش بزرگ شد. خاندان او از سادات و تاجران مشهور شیراز بودند. (دیوان بیگی، ۱۳۶۶: ۱۱) وی دو سال به تحصیل علوم پرداخت و مدتی در یزد و شیراز به تجارت مشغول شد و به‌طور پراکنده به مطالعه حدیث و تاریخ و شعر نیز می‌پرداخت. (احمد گلچین معانی، ۱۳۴۴: ۱۳) وی تا پیش از حرکت به هرات در ۱۲۷۷، کدخدای محله میدان شاه شیراز بود تا این که با حسام السلطنه سلطان مراد میرزا، از شاهزادگان و رجال قاجار، هم سفر شد و از شیراز به خراسان رفت. دیوان بیگی در امور دیوانی مهارت یافت و در دستگاه حسام السلطنه، ایشیک آقاسی شد و تا فوت حسام السلطنه، با همین منصب، وی را در سفرهایش همراهی می‌کرد.

حدیقه الشعراء، مهم‌ترین تألیف دیوان بیگی، موجب شهرت وی در عرصه ادب فارسی شده است. در این تذکره، ۱۴۴۰ شاعر مرد و هشتاد شاعر زن سالهای ۱۲۰۰ تا ۱۳۱۰ معرفی شده‌اند که به این لحاظ، حدیقه الشعراء کامل‌ترین تذکره پس از آتشکده آذر شناخته شده است. (فسائی، ۱۳۶۷: ۱۴) دیوان بیگی از ۱۲۶۰ تا ۱۲۷۰ به تذکره‌نویسی پرداخت، اما به سبب اشتغال در امور دیوانی مدت‌ها از تألیف تذکره بازماند، چنان که سه سال رئیس عدلیه یزد شد و در آن مدت به تألیف کتاب اخبار الیزد پرداخت. وی در ۱۲۹۳ در تهران و در ۱۲۹۶ در کرمانشاهان به تنظیم و تألیف تذکره مشغول شد. ابتدا شرح حال شاعران معاصر خود را نوشت ولی با تشویق حسینقلی خان سلطان (مؤلف تذکره مناقب حسامیه) و مطالعه آتشکده آذر، شرح حال شاعران متقدم و نیز شرح حال عرفا و علمای مذهبی را نیز به این تذکره افزود. دیوان بیگی، که خود از درویشان سلسله نعمه‌اللهیه بود، به شرح حال عرفا بسیار اهمیت داده است.

در نقد این کتاب می‌توان گفت که مولف درباره تعریفی که از نظرات دیگران درباره یک شاعر بیان داشته است بسیار امانت دار بوده است و هر سخنی را که خود دیده است، آن را از نقل خود نوشته و هر که از تذکره دیگری برداشت کند آن را مشخص کرده است و یا حتی آن قدر



ظرافت داشته است که بیان کرده فلان شخص مرا مجبور کرده که درباره وی بنویسم تا نام او زنده بماند و الا شعر او چندان تعریفی نیز نداشته است. گاهی نیز شاعر خود دست بر قضاوت برده است و سلیقه ای عمل کرده به طور مثال لحن وی درباره اطرافیان و بزرگان به صورت لحنی والا بیان داشته و به تعریف آنان پرداخته و هر زمانی که شخصی فقیر و بی قدرت را بیان می کرده با لحنی عادی از وی یاد کرده است و نکته جالب اینجاست که خود در بسیاری از موارد بیان داشته که این روزها به کسانی که مخلص و صادق و ساده باشند اما فقیر بوده و بویی از قدرت نبرده باشند، ارج و قربی در اجتماع نمیدهند.

این کتاب دارای یک مقدمه و سبب تألیف است. مقدمه با حمد خدا و نعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آغاز شده و در سبب تألیف، دیوان بیگی مختصری از شرح حال خود را نوشته است و با بیان چگونگی مراحل تذکره نویسی، به طبقه بندی اشعار شاعران پرداخته است. حدیقه الشعراء به ترتیب الفبایی تنظیم شده است. در این ترتیب، شاعران ابتدا با تخلص و اگر تخلص نداشتند با اسم، اسم پدر، کنیه و القاب معرفی شده اند.

از دیگر مسائل مطرح شده در تذکره حدیقه الشعراء معرفی سلسله مذاهب و مشایخ، اسامی آبادیها و مناطق شهری، نام ایلها و طوایف ایرانی، نشانی مقابر بزرگان، ذکر انجمنهای ادبی و استادان شعرشناس، مشاعرهای شاعران، ساخت مساجد و عمارات موقوفه، ذکر انواع خط و خوش نویسی، بیان علوم رایج در آن زمان و تحصیلات شاعران در آن علوم، و ارتباط مؤلف با بعضی از کاتبان و نسخه نویسان حدیقه الشعراء.

اطلاعات مندرج در حدیقه الشعراء یا برگرفته از تذکره هاست یا خود دیوان بیگی وقایع را به چشم دیده یا از معتمدان شنیده و هر جا لازم بوده به منابع اشاره کرده که همین امر ارزش تذکره را دو چندان کرده است. مهم ترین منابع دیوان بیگی در تألیف حدیقه الشعراء، سفینه المحمود، گنج شایگان، تذکره امان الهی، آتشکده آذر، مجمع الفصحا، تذکره نائین، و مناقب حسامیه بوده اند. عبدالحسین نوائی، با استفاده از نسخه خطی و ریزفیلمهای موجود در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، به تصحیح حدیقه الشعراء پرداخته و آن را در سه جلد به چاپ رسانده است (تهران ۱۳۶۴-۱۳۶۶ش). این تصحیح فهرستها و تعلیقات جامعی دارد. مصحح، با مراجعه به منابع معتبر،

فصل‌نامه اورمزد، شماره ۴۳، شماره دوم تابستان ۱۳۹۷

اشتباهات مؤلف را بر طرف کرده و برای تکمیل مطالب، در ذیل شرح حال هر شاعر، دیگر اقوال را با ذکر منابع آورده است. در ضمن، به سبب حجم اشعار، به گزینش اشعار شاعران پرداخته است.

بحث اصلی و تحلیل

شاعران درباری یا درباریان شاعر

بسیاری از شاعرانی که نامشان در حدیقه‌الشعراء آورده شده است شاعران درباری بوده اند که می‌توان آنان را به دو دسته کلی تقسیم بندی کرد: ۱- شاعرانی که به دربار خوانده می‌شدند. ۲- شاهزادگان شاعری که در دربار میزیسته اند. شاهزادگانی که به دربار خوانده می‌شدند جامعه آماری بیشتری نسبت به شاهزادگانی که در دربار میزیسته اند داشتند و آمال و انگیزه‌ی بیشتر شاعران به دربار خوانده شدن و مدح بزرگان دربار و دریافت صله بوده است. در واقع عده ای از شاعران به علت قریحه و طبع لطیفی که داشتند به دربارفراخوانده می‌شده و مورد استقبال و صله درباریان قرار می‌گرفتند و گروهی دیگر شاهزاده بوده و در دربار زندگی می‌کردند و ذوق شاعری داشتند. برای نمونه به معرفی چند تن از این شاعران برجسته می‌پردازیم:

شاپور قاجار

از فرزندان بزرگ فتحعلی شاه که لقبش شیخ الملوک بود و بیشتر عمر خود را به حکومت ملایر و تویسرکان صرف کرده. (دیوان‌بیگی، ۱۳۶۶: ۸۱۷)

شاهد فارسی

اصل آن جناب از ایزد خواست و توطن و تاهل در شیراز اختیار فرمودند. و به جهت معلمی شاهزادگان در اوایل حکومت مرحوم حسینعلی میرزای فرمانفرمای فارس در آمدند. از آن بعد هم بقیه حکما با ایشان به احترام رفتار می‌کردند. (دیوان‌بیگی، ۱۳۶۶: ۸۲۳)



شحنه مازندرانی

اسمش محمد مهدی خان است، اصلش از اشراف طبرستان و امیرالشعراست، مدتی شحنگی شیراز را به استقلال کرد به قسمتی که در واقع حکومت می‌نمود. در خدمت حسینعلی میرزای فرمانفرما مناصب دیگر هم داشت. که اسباب مرجعیت بود. در همان شحنگی هم حسن سلوک داشت و به احوال مردم می‌رسید و ستاری و مردمداری داشت. مدتی هم داروغگی اصفهان کرد. شعر زیاد ندارد ولی طبع خوبی داشت و بیشتر در قالب قطعه و رباعی می‌سرود. (دیوان‌بیگی، ۱۳۶۶: ۸۳۵)

شرق هندی

اسمش سید محمد افضل اهل لکنهو بوده که به ایران به عزم زیارت آمده جندی به مصاحبت شاهزاده محمد قلی میرزای ملک آرا و اندی به موافقت سپهدار عراق به سر برده. (دیوان‌بیگی، ۱۳۶۶: ۸۴۲)

شوکت قاجار

اسمش محمد تقی میرزا لقبش حسام السلطنه از فرزندان بزرگ فتحعلی شاه است و سالیان دراز در بروجرد و بختیار و لرستان حکومت داشت که بیشتر احوالاتش در تواریخ قاجاریه مسطور است. (دیوان‌بیگی، ۱۳۶۶: ۱۵۳۵)

شکسته قاجار

شاهزاده رضوان و ساده شجاع السلطنه فتحعلی شاه قاجار است که شرح شجاعت و دلاوری‌های وی در حکومت خراسان و مجادله با سپاه افغان در تواریخ قاجار مفصلاً مرقوم است. (دیوان‌بیگی، ۱۳۶۶: ۸۵۰)

صدر قزوینی

میرزا محمد حسین بن میرزا فضل‌الله پدرش از سادات کرام و علمای عظام قزوین است و نائب السلطنه مرحوم تعلیم و ادب از ایشان داشته و خود میرزا محمد حسین هم با فضل و ادب و در

فصل نامه اورمزد، شماره ۴۳، شماره دوم تابستان ۱۳۹۷

خدمت ولیعهد محترم بوده و در دولت محمد شاه مبرور به صدارت دیوان خانه منصوب بود. در دولت ناصرالدین شاه اول به سفارت دولت روسیه منسوب بود و پس از چندی به متولی باشیگری مشهد مقدس رضوی مفتخر گردید. (دیوان بیگی، ۱۳۶۶: ۱۰۰۴)

والیه

صبیه خاقان قاجار فتحعلی شاه طاب ثراه و هم زوجه خسروخان والی کردستان است که شرح حالش به جای خود مسطور گردیده. مشارالیها رشیده و عاقله بود و انواع کمالات داشته. بعد از خسروخان شوهری اختیار نکرده و حکومت تا مدتی با اولادش و کفالت آنها می نمود. (دیوان بیگی، ۱۳۶۶: ۲۲۰۰)

عصمت قاجار

صبیه خاقان فتحعلی شاه طاب ثراه و همشیره بطنی مرحوم محمدعلی میرزای دولت تخلص است و در نکاح برادر فتحعلی شاه است. (دیوان بیگی، ۱۳۶۶: ۲۱۸۰)

طیبه قاجار

سیوم صبیه خاقان مبرور فتحعلی شاه همشیره بطنی حسینعلی میرزا فرمان فرما و حرم مرحوم امیر محمد قاسم خان شوکت تخلص است که مرقوم شد. (دیوان بیگی، ۱۳۶۶: ۲۱۷۸)

تاج الدوله طاووس خان

اصل این زن از اهالی اصفهان و از زنه‌های خوش اقبال جهان است که به علت جمال زیبایش فتحعلی شاه طالب وصالش گردید. (دیوان بیگی، ۱۳۶۶: ۲۱۷۲)

شاه جهان



اسمش شاه جهان بیگم از پادشاه زادگان معتبر هند است. سیده هم هست و زوجه صدیق حسن خان «نواب» تخلص که ذکرش با دو پسرش در این مجموعه در مقامات خود آمده است. (دیوان‌بیگی، ۱۳۶۶: ۲۱۶۹)

سلطان قاجار

صبیه شاهزاده محمود میرزای بن خاقان مبرور فتحعلی شاه است. گویند صاحب کمالات بوده شکسته را خوب می‌نوشته و از علم عروض و نجوم اطلاعی داشته. (دیوان‌بیگی، ۱۳۶۶: ۲۱۶۶)

هنر و موسیقی شاعران قاجار

بدیهی است که شاعرانی که روز و شب مشغول رودن شعر بوده اند به هنرهای دیگری نیز نائل می‌شدند که از جمله آنها هنر خوشنویسی بوده است که شاعران شعرهای خود را با خطی خوش می‌نوشتند تا بتواند به دیوانی دست یابند و نسخه نویسان آن را انتشار دهند. هنر موسیقی نیز از دیگر هنرهایی است که یک شاعری که شعر موزون می‌سروده از ضرب‌های موسیقی نیز آشنا بوده و دیگر اینکه رسمی بوده که شعرهای بزمی می‌سرودند و آن را در مراسم‌های بزم و عیش و طرب با ساز و آواز می‌خواندند و بسیاری از شاعران نیز خود هنر خواندن و آواز نیز داشتند. انواع هنرهای خوش نویسی از جمله: نستعلیق و شکسته و... هنری است که بیشتر شاعران به آن مهارت داشتند. گویی هر شاعری شعر خود را با خطی خوش در یک دیوان می‌نوشته و یکی از ملاک‌های مورد استقبال قرار گرفتن دیوان خط خوش بوده است. البته بدیهی است که خط خوش شاعران موجب این می‌شده که شعر آن شاعر تحریف کمتری در آینده داشته باشد و بسیاری از شغل‌های جانبی چون نسخه نویسی و منشی‌گری و قرآن نویسی می‌کردند. در دوره قاجار با ظهور پدیده چاپ و چاپ سنگی و همچنین گسستگی ارتباط خوشنویسان با سلسله استادان قدیمی در خط ایرانی به ویژه نستعلیق نویسی تغییراتی حاصل شد.

از سده یازدهم هجری سیاه مشق نویسی از صورت یک تمرین ساده ابتدایی به مثابه زبان و بیانی تازه مطرح شد که در سده سیزدهم به اوج رسید. زبانی که به عنوان یک هنر ناب و فارغ از دغدغه

فصل‌نامه اورمزد، شماره ۴۳، شماره دوم تابستان ۱۳۹۷

انتقال ادبی مفاهیم و فقط با ایجاد زیبایی بصری تا به امروز تداوم یافته‌است. این هنر در دوره قاجار به‌دست هنرمندانی چون میرزا غلام رضا اصفهانی و میرحسین خوشنویس قله‌های هنر را درنوردید. در اواخر دوره قاجار به دلیل نیازهای جدید جامعه‌ای که گام‌های نخست برای حرکت به سوی مدرن شدن را طی می‌کرد. خوشنویسی هم به سمت هنرهای کاربردی رفت و با این تحولات همراه شد.

خوشنویسی ایرانی با از دست دادن مصرف اصلی آن یعنی کتابت و مواجهه با نیازهای جامعه مدرن در سده اخیر روند تازه‌ای را دنبال کرد. تحولات فرهنگی - هنری و سیاسی - اجتماعی و فناوری در ایران، در دوره‌های قاجار و پهلوی زمینه‌ساز نوآوری متفاوتی در خط شدند. در دوره قاجار با ظهور روزنامه‌ها و نشریات، مصرف اصلی خوشنویسی یعنی کتابت و تکثیر آثار مکتوب به تدریج از بین رفت. از این رو جنبه‌های خلاقه و روش‌های شخصی و شیوه‌گرایانه در خط نمود بیشتری پیدا کرد و با رواج «سیاه‌مشق»ها دوران تازه‌ای فرا رسید. پس از آن در دوره پهلوی با پدید آمدن نیازهای جدید برای جامعه همچون تجارت، تبلیغات و فناوری و همچنین مواجهه با هنر جهانی خوشنویسی نیز می‌بایست خود را با این تحولات هماهنگ می‌کرد.

آنچه امروز زیر عنوان موسیقی ملی ایران می‌شناسیم و هفت دستگاه و ردیف را در بر می‌گیرد، همان است که استادان موسیقی در دوره قاجار آن را می‌نواختند و تعلیم می‌دادند و از راه همین روش آموزش شفاهی به روزگار ما رسیده‌است. این موسیقی ظاهراً تا حدود قرن سیزدهم هجری (قرن ۱۹م) نظام ادواری داشته و سپس جای آن را نظام دستگاهی گرفته‌است.

جایگاه رامشگران در دربار قاجار

پادشاهان قاجار نیز در ادامه راه و رسم پیشینیان خود موسیقی را به صورت عنصری از زندگانی دربار درآورده بودند و این هنر در دربار آنان ارج و اعتبار خاصی داشت. موسیقی نه تنها در جشن‌ها و میهمانی‌های رسمی نواخته می‌شد بلکه در زندگانی روزمره آنان نیز همواره حضور داشت، چنان‌که حتی هنگام خوابیدن و غذا خوردن و سوار کاری نیز از شنیدن آن نمی‌آسودند.



برای مثال آغا محمد خان را عادت این بوده که هنگام خوابیدن نقالی از برای او شاهنامه بخواند. او خود هرگاه سرخوش و سرحال بود دو تار می‌نواخت.

ناصرالدین شاه که خوابگاهش دارای چهار در بود و یکی از آنها به اطاق رامشگران باز می‌شد، عادت داشت هنگام خوابیدن به نوای ساز گوش کند. «عمله طرب خاصه» مانند سرور الملک (نوازنده سنتور) و آقا غلامحسین (نوازنده تار) و اسماعیل خان (کمانچه کش) هر کدام به نوبت برای شاه می‌نواختند تا اینکه او به خواب می‌رفت و زمانی از نواختن باز می‌ایستادند که دیگر نشانی از بیداری در او نمی‌دیدند. سرور الملک در لحظه‌هایی که خواب اندک اندک بر شاه چیره می‌شد. دستمالی به روی سنتور پهن می‌کرد تا نوای ساز ملایم تر به گوش شاه برسد.

اعتماد السلطنه، وزیر انطباعات دربار ناصری، در خاطرات خود درباره پانزده سال آخر عمر ناصرالدین شاه می‌نویسد که «عمله طرب» بیشتر اوقات در هنگام صرف غذا حضور داشتند و برای شاه می‌نواختند، به ویژه هنگام، پختن آش سالانه که گویا آیینی در دربار ناصرالدین شاه بود، همیشه چند تن از خواص نوازندگان حاضر بودند و در کنار وزیران و رجال دربار بر سر سفره می‌نشستند. هر شاعری که بیشتر با موسیقی آشنا باشد، شعری خوش طرب تر می‌سراید و بسیاری از شعرهای طرب انگیزی که گفته می‌شد در مجالس عیش و طرب با آلات موسیقی خوانده می‌شد.

بعضی از شاعران نیز خود آوازی خوش داشتند و شعر خود را در مجالس بزم می‌خواندند و صله می‌گرفتند. از جمله هنرمندان و موسیقی دانان میتوان به شاعران زیر اشاره کرد:

شاپور قاجار

از فرزندان بزرگ فتحعلی شاه که لقبش شیخ الملوک بود و بیشتر عمر خود را به حکومت ملایر و تویسرکان صرف کرده. خط نستعلیق او خوب بوده در علم موسیقی مهارت داشته. (دیوان بیگی، ۱۳۶۶: ۸۱۷)

شارق قاجار

به اندازه سال و حال خود تحصیل اقسام علوم کرده و در درشت نویسی خط شکسته باربط. (دیوان بیگی، ۱۳۶۶: ۸۱۹)

فصل‌نامه اورمزد، شماره ۴۳، شماره دوم تابستان ۱۳۹۷

شفق یزدی

اسمش میرزا احمد و پدرش ملا احمد ذاکر جناب ابا عبد الله الحسین و مرد متقی باور و خوش نویسی می‌کرده است تعلیم علوم دینی هم می‌کرده و خطی خوش داشته است و معار وامق بوده است. (دیوان‌بیگی، ۱۳۶۶: ۸۵۱)

شوریده شیرازی

اسمش محمد تقی در هفت سالگی به دلیل مریضی آبله نایبنا شد با این حال از کار تحصیل بار نماند چون وت و حنجره خوبی داشت بیشتر همت به موسیقی گماشت (دیوان‌بیگی، ۱۳۶۶: ۸۷۶)

شهاب اصفهانی

اسمش میرزا محمد طاهر و از سلسله تجار اصفهان ولی از بدو عمر بر تحصیل کمالات پرداخت و در نوشتن خطوط قادر بود خاصه نسخ و رقاعش که خیلی تعریف داشته و قرآنش را به قیمت اعلا هدیه می‌کردند. (دیوان‌بیگی، ۱۳۶۶: ۹۰۳)

شهید شیرازی

میرزا عبدالله نام داشت که از اعزه شیراز است. در غزل سرایی بین الاقران ممتاز. احوالش خوب و اخلاقش مرغوب اقسام خطوطش خاصه نسخ و نستعلیق مطلوب. فنش طبابت بود و به معالجات مرضی اشتغال داشت و در شاعری از تربیت یافتگان مرحوم وصال است و دیوان غزلیاتش قریب به پنج هزار بیت است. (دیوان‌بیگی، ۱۳۶۶: ۹۲۴)

صاحب علی آبادی

اسمش میرزا محمد تقی پدرش میرزا زکی مستوفی الممالک و از وزرای معتبر دولت ایران و ملقب به صاحب دیوان و اختیار این تخلص از آن است. یعنی اول «ملالی» تخلص می‌کرده بعد از



رسیدن به لقب صاحب دیوانی تخلص را «صاحب» قرار داده. در ادبیت ممتاز و اغلب دبیران دولت تربیت از او یافته اند. (دیوان‌بیگی، ۱۳۶۶: ۹۵۵)

تاج‌الدوله طاووس‌خان

اصل این زن از اهالی اصفهان و از زنه‌های خوش اقبال جهان است که به علت جمال زیبایش فتحعلی شاه طالب وصالش گردید. شاه برای وی دو زن آوازه‌خان و ساز زن گماشته تا معلم وی گردند و خودش استعداد داشت و صاحب کمالات شد. (دیوان‌بیگی، ۱۳۶۶: ۲۱۷۳)

زیب‌النسا بیگم

صیبه عالمگیر پادشاه هندوستان است که بسیار صاحب کمال و مربی علما و فضلا بوده. (دیوان‌بیگی، ۱۳۶۶: ۲۱۵۹)

جهان قاجار

از بنات مکرّمات محترّمات خاقان مغفور فتحعلی شاه است. و اسمش زبیده خانم از زوجه شیرازیه و در عقد ازدواج علی خان ملقب به نصره الملک است. (دیوان‌بیگی، ۱۳۶۶: ۲۱۴۰)

جانان بیگم

دختر عبدالرحیم خان خاقان پسر بیرام خان است که با همایون پادشاه به ایران آمده. دارای علم و فضل بود و تفسیری بر کلام الله نوشته است (دیوان‌بیگی، ۱۳۶۶: ۲۱۳۹)

نتیجه‌گیری

آنچه امروز زیر عنوان موسیقی ملی ایران می‌شناسیم و هفت دستگاه و ردیف را در بر می‌گیرد، همان است که استادان موسیقی در دوره قاجار آن را می‌نواختند و تعلیم می‌دادند و از راه همین روش آموزش شفاهی به روزگار ما رسیده است. این موسیقی ظاهراً تا حدود قرن سیزدهم هجری (قرن ۱۹م) نظام ادواری داشته و سپس جای آن را نظام دستگاهی گرفته است. در دوره قاجار با

فصل‌نامه اورمزد، شماره ۴۳، شماره دوم تابستان ۱۳۹۷

ظهور پدیده چاپ و چاپ سنگی و همچنین گسستگی ارتباط خوشنویسان با سلسله استادان قدیمی در خط ایرانی به ویژه نستعلیق نویسی تغییراتی حاصل شد.

منابع و مأخذ

- احمد دیوان‌بیگی، (۱۳۶۶)؛ حدیقه الشعراء، چاپ عبدالحسین نوائی، تهران.
- حسن بن حسن فسائی، (۱۳۶۷)، فارسنامه ناصری، چاپ منصور رستگار فسائی، تهران.
- احمد گلچین معانی، (مرداد ۱۳۴۴)، «درباره حدیقه الشعراء»، وحید، سال ۲، ش ۸
- دانشنامه جهان اسلام نویسنده: موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی: جلد ۱، صفحه: ۵۸۹۰